

## کارگران باید بدانند!

### مذاکره و چانه زنی پشت درهای بسته مامشات است

محمد اشرفی

هفتم مرداد ماه هشتاد و شش

"حزب اعتماد ملی" تلاش میکند سندیکای شرکت واحد را بخش کارگری خود قرار دهد و دوستان ما فراموش میکنند که تمامی این "احزاب"، به خصوص احزاب "روزنامه ای" از درون همان اصلاح طلبان با مرکزیت های ماموران اطلاعاتی بیرون آمده است که دهها موردخیانت بر علیه طبقه کارگر را ترتیب داده اند. نمیتوان فراموش کرد که قوانین ضد کارگری قراردادهای موقت دقیقاً در دوره ای به تصویب رسیده که اصلاح طلبان حاکم مطلق مجلس بوده اند. اصلاح طلبان با استفاده از جو بسته و تک صدایی که خود در ایجاد آن شریک جرم بودند توانستند در سال ۷۶ مردم را فریب داده یکه تاز میدان سیاست شوند. ولی زمان زیادی نگذشت که فریب کار بودن آنها معلوم شد و پس از هشت سال، شکست همه جانبه ای را در مقابل جناح دیگر که آن نیز شریک جرم گذشته بود تحمل کردند. از طرف دیگر مبارزات جنبش های اجتماعی هر روز اوج تازه ای گرفت و میروند تا تغییر و دگرگونی های بسیاری را ایجاد کند. اما این جنبش ها با تمام اوج گیریشان از نبود رهبری رنج میبرد. هرچند که فریب کاری اصلاح طلبان فوران آتشفشان را تا امروز مهار کرده است ولی اوج گیری مبارزات کارگران طی چهار سال اخیر که از حرکت های پراکنده شروع شده امروز در مسیر وحدت و یکپارچگی پیش میروند. همچنین، جنبش معلمان از سال هشتاد تا امسال که تشکیل شورای هماهنگی کانون های صنفی خود را پشت سر گذاشته است و دانشجویان که توانستند طی دو سال اخیر جنبش دانشجویی را از سلطه دو جناح نامبرده خارج کنند گواه بر همین ادعا است.

حرکت رو به رشد جنبش های فوق باعث گردیده دو جناح نامبرده برای مقابله با جنبش های مستقل متحدانه اقدامات توطئه آمیز را صورت دهند. از جمله میتوان مورد دانشگاه امیرکبیر و علامه را نام برد. توطئه دیگر آنها پیشبرد سیاست "هویج و چماق" است که در رابطه با سندیکای کارگران شرکت واحد پیش گرفته اند. و برای مهار و تبدیل کردن سندیکای سرخ به سندیکای زرد، یک جناح آنها را میزند و زندانی میکند، جناح دیگر مقالات آنها را چاپ کرده، از آنها فریبکارانه دلجویی میکند و با آنها به مذاکره می نشیند.

طیف های مختلف اصولگرایان با پرونده سازی ها و اصلاح طلبان با تبلیغات و هوجبگری به مقابله با جنبش دانشجویی برخاسته اند. از طرفی هر دو جناح برای تحت الشعاع قراردادن اصل مذاکره مستقیم با آمریکا و برای جلوگیری و کم کردن تبعات امتیاز دهی در نتایج نهایی آن روند سرکوب داخلی را سرعت داده و در برخی موارد تغییر روش داده اند. در همین حال به استیصال کشاندن کارگران زندانی را شدید تر کرده اند که اگر کارگر زندانی بتواند از زندان جان سالم بدر برد، بر اثر افسردگی منفعل خواهد شد. اصلاح طلبان تا حدی با استفاده از نتایج چنین

ترفند هایی و با فریب و تطمیع بخش های سست عنصر و راستگرای جنبش کارگری اقدام به ایجاد دو دستگی در جنبش میکنند.

جنبش کارگری که سرآمد آن در حال حاضر کارگران سندیکای شرکت واحد است در نقطه عطفی است که نیاز به درایت و تحلیل طبقاتی دارد. سندیکای کارگران شرکت واحد طی دو سال گذشته با هزینه های بسیار زیاد و کمک های بسیاری که از کارگران دریافت کرده توانسته است جای خود را در جنبش کارگری تثبیت کند و از نظر جهانی تأیید و به ثبت برسد. اما، امروز بر سر دوراهی انحراف قرار گرفته است. از یکطرف ساختار سندیکایی و در همین حال سلطه افکار راستگرایانه در مرکزیت آن میخواید جنبش کارگری را به بهانه های "چانه زنی"، مذاکره و اصل سه جانبه گرایی در آغوش اصلاح طلبان (لیبرال ها) قرار دهد. در مقابل، بدنه آن و بخش بزرگی از جنبش کارگری قرار دارد که تلاش میکند از زرد شدن سندیکای سرخ جلوگیری نماید.

امروز که سندیکای شرکت واحد و اعضای هیئت مدیره آن به وزنه هایی تبدیل شده اند مورد توجه احزاب لیبرال و شخصیت های لیبرالی قرار گرفته اند. از جمله، «کروبی» از آنها دلجویی میکند و با چاپ مقالات آنها در اعتماد ملی، آنها را به وجد آورده فریب میدهد. و آنها فراموش میکنند که در زندان نظامی به سر برده اند که «کروبی» از مهره های مهم همان نظام بوده و هست.

"حزب اعتماد ملی" تلاش میکند سندیکای شرکت واحد را بخش کارگری خود قرار دهد و دوستان ما فراموش میکنند که تمامی این "احزاب"، به خصوص احزاب "روزنامه ای" از درون همان اصلاح طلبان با مرکزیت های ماموران اطلاعاتی بیرون آمده است که ده ها مورد خیانت بر علیه طبقه کارگر را ترتیب داده اند. نمیتوان فراموش کرد که قوانین ضد کارگری قراردادهای موقت دقیقاً در دوره ای به تصویب رسیده که اصلاح طلبان حاکم مطلق مجلس بوده اند. همچنین قوانین ضد کارگری خروج کارگاه های کوچک از مشمولیت قانون کار به دست همین اصلاح طلبان (کروبی...) اتفاق افتاده است. دوستان سندیکایی به خاطر چند مکالمه تلفنی و چاپ شدن مقالاتشان در چند روزنامه لیبرال و ضد کارگر چنان فریب خورده اند که فراموش کرده اند اعمال ضد کارگری مانند خصوصی سازی، جهانی سازی، پولی شدن دانشگاه ها و مدارس، خصوصی شدن بهداشت و درمان و بیمارستانها به دست همین لیبرال ها (کروبی، خاتمی، مشارکتی ها و...) به جامعه ایران تحمیل شده و هم چنین مورد قبول و تأیید جناح دیگر نیز قرار گرفته است. این دوستان فراموش میکنند زمانی را که در پارک ها و بیابان ها شب را به سر می بردند تا دستگیر و زندانی نشوند؛ و درست در همان زمان «کروبی» و امثال آنها حاضر نبودند نام این کارگران را بر زبان بیاورند. ولی امروز دوستان که برای مذاکره با «کروبی»، اعتماد ملی و خانه کارگر لحظه شماری میکنند باید بدانند موقعیت کنونی آنها متعلق به جنبش کارگری است و جنبش کارگری حاضر نمیشود با کسانی که حدود سی سال نان کارگران را بریده اند، پای میز مذاکره بنشینند.

در چنین مواقعی دوستان ما میگویند کار سندیکا صنفی است و نه سیاسی. اما نمیتوان این شعبده بازی را از آنها پذیرفت. آیا کارفرمای شما «کروبی»، اعتماد ملی یا خانه کارگر است که برای مسائل صنفی خود با آنها مذاکره کنید؟ چه کسی میتواند بگوید مذاکره با کروبی، خانه کارگر، "حزب اعتماد ملی" و امثال آنها که همگی سیاسی هستند ربطی به سیاست ندارد!؟

اگر مذاکره و "چانه زنی" برای افزایش دستمزد است، اگر مذاکره برای "چانه زنی" بر سر ایجاد تشکلات کارگری است، اگر "چانه زنی" و مذاکره به هدف تامین اهداف جنبش کارگری و پیشبرد این جنبش به قدم هایی جلوتر از آنچه هست میباشد و نه برای تامین منافع گروهی و فردی؛ و اگر این مذاکرات داد و ستد برای شرکت در قدرت و بردن سهم در تقسیم های مجدد قدرت نیست و در یک کلام؛ اگر مماشات و سازش با کارفرمایان و عوامل آنها مطرح نیست و شما واقعاً قصد مذاکره و "چانه زنی" در جهت منافع کل طبقه کارگر را دارید، این موضوع را با علنی بودن مذاکرات خود به طبقه کارگر که رفتار شما را به دقت مشاهده میکند ثابت کنید.

روزها و محل هایی که قرار است مذاکره صورت بگیرد را رو به جنبش اعلام کنید تا کارگران و خبرنگاران بتوانند به عنوان ناظر در مذاکرات حضور داشته باشند. فقط بر نوع مذاکراتی علنی و با درهای باز است که میتوان نام مذاکره با نیت سالم و بدور از انگیزه های مماشات جویانه و به نفع عمومی کارگران گذاشت.

بحث ما ساده است؛ کارگران نمیتوانند با سرمایه داری و عوامل آن مذاکره و چانه زنی کرده و به حقوق خود برسند. ما میگوئیم، سرمایه داری و عوامل آن مانند «کروبی» و احزاب رنگارنگ، همچنین خانه کارگر، همگی قصد سوء استفاده و ایجاد تفرقه در جنبش کارگری دارند. همه میدانند اگر فداکاری ها و کمک های فعالین کارگری، دانشجویان و کارگران نبود امکان نداشت سندیکای کارگران شرکت واحد به رتبه کنونی برسند. در مقابل، سندیکای کارگران شرکت واحد نباید از موقعیت بوجود آمده استفاده کرده، وارد حوزه تقسیم قدرت با سرمایه داری شود.

دوستان ما برای مذاکره و "چانه زنی" در هر حدی که در نظر دارند (صنفگرایی محض، قانونگرایی افراطی، برای منافع کل جنبش کارگری یا حتی فقط برای منافع کارگران سندیکای شرکت واحد) به طور شفاف و واضح برنامه های خود را رو به جنبش اعلام کنند. و اگر مجبور به مذاکره در جهت منافع جنبش کارگری هستند، حضور کارگران و خبرنگاران را به عنوان ناظر بر مذاکرات شرط مذاکره قرار بدهند. دوستان فراموش نکنید که همین جنبش کارگری شما را در قد و قواره نمایندگان خود قرار داده و میتواند همچنان مستحکم تر از قبل شما را در جهت پیشبرد اهداف کل جنبش حمایت و پشتیبانی کند مشروط به اینکه تلاش های شما نیز در جهت ارتقا این جنبش باشد. در غیر اینصورت باز این جنبش بارها نشان داده است که «سیاست» مماشات را چگونه منزوی و به حاشیه میراند.

محمد اشرفی

۱۳۸۶/۳/۱۰